

دفاع غیر مسلح و توسعه اجتماعی، از مسائل سیاسی تا نظریه سیاسی؛ تحلیل انتقادی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران

سید مجید امامی

استادیار گروه فرهنگ و دولت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

s.m.emamy@isu.ac.ir

چکیده

روابط مشترک دفاع غیر مسلح یا مصونیت بخشی پیشابحران به جامعه با سیاست گذاری اجتماعی موضوع محوری این مقاله است. بر این اساس، تلاش شده است تا مسائل سیاسی در توسعه اجتماعی استخراج و مبتنی بر پژوهش های دست اول، ادبیات و نظریات مرتبط مرور شود. سپس عالی ترین سند کلان پیشرفت و توسعه مدنظر جمهوری اسلامی ایران، که در مرحله نقد و ارزیابی نخبگانی قرار دارد، براساس بایسته ها و شایسته های سیاست اجتماعی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد و نقاط مغفول و معیوب از نظر پژوهشگر شناسایی شود. روش این مقاله اسنادی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای است.

کلیدواژه ها: دفاع غیر مسلح، توسعه اجتماعی، الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت.

• این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی در نشریه مطالعات امنیت اقتصادی، شماره اول، پاییز ۱۳۹۹ منتشر شده است.

۱. مقدمه

پدافند غیرعامل یا دفاع غیر مسلح مجموعه اقدامات و خدمات و برنامه‌هایی است که افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران را برای شرایط بحرانی، اما پیش از آن، مدنظر دارد (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹) و بر این اساس، هم مسئله سیاست‌گذاری و هم پاسخ است؛ در واقع، آنجا که در قامت یک سازمان و پروژه است، «مسئله»ی هر نظام سیاست‌گذار و حاکمیت است و آنجا که یک رویکرد معنابخش به سیاست‌ها و تدابیر دولتمردان است، نظریه‌ای سیاستی است. هر الگوی توسعه از جمله الگوی اسلامی ایرانی که برای اعلام استقلال حتی از عنوان باردار شده «توسعه» هم احتراز کرده است (پیشرفت را جایگزین کرده است)، با مجموعه‌ای از عینیات و نیازهای اجتماعی ناظر به بافتار زندگی جمعی و زیست شهری مواجه است که عمدتاً با عنوان «بخش اجتماعی» برنامه‌ها یا جوامع برنامه‌ریز یاد می‌شود. عرصه‌های بزرگی چون مراقبت بهداشتی (سلامت)،^۱ عدالت، رفاه و تأمین اجتماعی، سرمایه اجتماعی،^۲ محیط زیست، مشارکت^۳ و همزیستی،^۴ مراقبت‌های اجتماعی از گروه‌های خاص،^۵ شهرنشینی (آسیب‌ها) و آموزش^۶ که هر یک مشتمل بر بسیاری زیرسیستم‌های نیازمند الگوی تصمیم‌گیری ملی (حکمرانی توسعه) هستند، اعتباراً موضوع

۱. هر چهار بعد سلامت (جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی در ادبیات سازمان بهداشت جهانی) می‌تواند مدنظر باشد؛ هر چند سلامت معنوی را در حوزه فرهنگی دنبال می‌کنیم، با تسامح مسئله جمعیت را هم ذیل سلامت محسوب می‌کنیم.

۲. تعاریف سرمایه اجتماعی بسیار گسترده و مفصل است. مراد این گزارش، حفظ و ارتقای موجودی ادراکی شهروندان و نظام آگاهی مردم است که منجر به کنش اجتماعی ارتباطی آن‌ها به مثابه عضو بیدار می‌شود؛ امید، اعتماد، امنیت و نظارت مردم از این دست است.

۳. منظور نفس الامر مشارکت به عنوان یکی از مؤلفه‌های قوام جامعه و روابط فرد با جامعه و راه‌هایی است که از طریق آن‌ها مردم در جهان اجتماعی درگیر می‌شوند که انواع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد... اما اولویت و اولویت این گزارش با مشارکت اجتماعی است.

۴. اقوام، مذاهب، اقلیت‌ها و مهاجرت.

۵. معلولان، اقلیت‌های نژادی، کودکان، سالمندان، جوانان، پناهجویان و غیره.

۶. حوزه آموزش یا تعلیم و تربیت (کلاسیک/عام و نیز رسمی/غیررسمی) بسیار فراخ است و در گزارش حوزه فرهنگی بررسی شده است. سیاست‌های کلی نظام هم در این حوزه مبسوط طرح شده است و به نظر می‌آید سند فعلی تنها با احاله به سند تحول، به این عرصه ورود جدی نداشته است (تدابیر ۶، ۷، ۱۶). البته به فراخور، توجهی خواهیم داشت.

«توسعه اجتماعی» قرار می‌گیرند.^۱ قلمروهای اصلی سیاست اجتماعی عبارت‌اند از «زمینه‌های رفاه اجتماعی (تأمین، مراقبت بهداشتی، مراقبت اجتماعی، مسکن و آموزش)، زمینه‌های مربوط به بازتوزیع (مالیات‌بندی، هزینه‌های عمومی و اشتغال) و درنهایت، زمینه‌های بالقوه مؤثر بر بازتوزیع منابع (بالداک و دیگران، ۱۹۹۱؛ به نقل از شریفیان، ۱۳۸۱: ص ۹). در ادبیات مددکاری و خدمات اجتماعی آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی را مشتمل بر چهار عرصه دانسته‌اند:

- مشکلات مربوط به سلامت و آسایش؛
- مشکلات ناشی از تفاوت انسان‌ها؛
- مشکلات ناشی از نابرابری و قدرت؛
- مشکلات ناشی از نوگرایی (همان، ص ۷).

هر یک از الگوهای نتولیرال (عدالت به مثابه آزادی)، سوسیالیست (عدالت به مثابه برابری)، سوسیال دموکرات، سوسیالیسم چینی، دولت‌رفاه و غیره دارای مواضع و نظریه‌ای منسجم در راهبری و جهت‌دهی (سیاست) توسعه اجتماعی هستند و الگوی اسلامی ایرانی توسعه یا همان پیشرفت هم طبعاً باید الگویی مستقل را حکایت کند که تعالی و رفع چالش‌های اجتماعی جامعه ایران را هدف‌گیری کرده باشد در همین راستا رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۳/۱۳).

ایشان در جای دیگر می‌گویند: «هدف ما استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه کارها برای اقامه عدل ارزش پیدا می‌کند. در جامعه نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

۱. اما از ابعاد مهم پیشرفت اجتماعی، حقوق شهروندی، عدالت‌کیفری و سیاست‌جزایی یا جنایی است. درضمن، حوزه اشتغال یا مسکن هم در ادبیات و سیاست‌های اجتماعی می‌آیند، اما در ایران مطالعات حوزه اقتصادی متکفل آن‌هاست (نک: الکاک و دیگران، ۱۳۹۱).

نگاره ۱. اهداف توسعه هزاره در حوزه مسکن و محیط زیست

هدف ۷: تضمین سلامت و پایداری محیط زیست

- اهداف فرعی: دستیابی به بهبود چشمگیر در زندگی حداقل صد میلیون زاغه‌نشین (حاشیه‌نشین)

تا سال ۲۰۲۰

- ادغام اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها و برنامه‌های کشور و معکوس کردن جهت آسیب به منابع محیطی.

سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و مقدم بر آن، توسعه هزاره شورای توسعه ملل متحد^۱ را هم می‌توان دارای الگویی ترکیبی برای کشورهای جهان سوم دانست که عملاً پاسخ‌گوی دوره‌های های اجتماعی اقتصادی بسیاری کشورهای پیر و توسعه‌نیافته قرار گرفته است و در قالب مذاکرت و «دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی» به نظام تصمیم‌گیری ملی این کشورها از جمله ایران وارد شده است. تأکید می‌شود که اسناد و فرایندهایی از جمله سند هزاره (میلینیوم) دقیقاً نقش الگو برای توسعه را ایفا کرده‌اند و طبعاً به جای تفلسف و لحن بیانی‌های، دلالت‌گر و دکترینال هستند. به مثال زیر توجه کنید:

مهم‌ترین بخش سند پیشنهادی مرکز الگوی پیشرفت که در ۱۳۹۷ منتشر و از سوی رهبری معظم انقلاب عمومی شد (جهت اصلاح و تکمیل توسط صاحب‌نظران و نهادهای عالی ظرف مدت دو سال)، «تدابیر» سند است. این تدابیر هرچند رسماً تعریف نشده‌اند، براساس سه اماره در بیانات و نظرات رهبر معظم انقلاب، که خود معمار طرح و دغدغه‌مند الگوی اسلامی ایرانی بوده‌اند، می‌توان منظور تدوین‌کنندگان را از کاربرد کلمه تدبیر براساس موارد زیر احصا کرد:

- کاربرد مفهوم الگو،

- تأکید بر استعاره نقشه،

- منظر و رویکرد کلان و فرابخشی به پیشرفت همه‌جانبه جامعه.

وجه الگویی این سند بیش و پیش از هر چیز نشان می‌دهد که راهنمای خط‌مشی و راهبردهای ملی است. راهنمابودن یعنی جهت را نشان‌دادن و از سایر جهات بر حذر داشتن؛ یعنی ملموس و

۱. سند توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ با هشت آرمان ارائه‌شده توسط ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل پذیرفته شده بود و عملاً قرار بود طی پانزده سال اجرا شود، اما برای تداوم آن در پانزده سال بعد تا ۲۰۳۰ سندی، البته ساختارمندتر، تهیه شد و موضوع عدالت اجتماعی و برابری هم به‌ویژه در بند ۸ بیانیه به‌صراحت مورد توجه قرار گرفت.

محسوس کردن امر معقول و از حیثی دیگر، یعنی پشتیبانی پارادایمیک از یک تصمیم. هر یک از این سه برداشت می‌تواند الهام‌بخش باشد؛ هرچند یکی تفوه بیشتری در جامعه علمی داشته باشد. استعاره «نقشه» هم دلالت‌های مهمی دارد. برای فهم استعاره باید بین مفهوم و منطوق رفت و آمد کرد. استعاره نقشه بیشتر ناظر بر نقشه‌خوانی و ناوبری^۱ است. ادراک و اشراف به نقطه مبدأ و مختصات فعلی و نیز نقطه مطلوب یا مقصد است. طبعاً بهترین مسیر حرکت هم براساس نسبت‌سنجی این مختصات مشخص می‌شود؛ از این رو، «استعاره نقشه» در آرای ایشان به کرات به کار رفته است.

اما وجه جامع این الگوی نقشه‌گون جامع‌بودن، فرابخشی، فرادوره‌ای، فرادولتی و فراسازمانی بودن آن است. تدبیر قاعدتاً تصمیمی اساسی، دقیق و صریح است که برای افقی پنج‌ساله پیشنهاد می‌شود. برخی هم گفته‌اند سطح تدبیر در طیفی بین قانون اساسی و سیاست‌های کلی است در غیر این صورت، تفاوتی با آن‌ها نخواهد داشت.

بر این اساس، ما تدبیر در سند الگورا «گزاره‌های فراراهبردی جهت‌بخش به سیاست‌گذار ملی می‌دانیم که حداقل تکلیف یکی از مسائل سیاستی ملی را مبتنی بر اهداف و اقتضائات ادراک شده مشخص کند». منظور از فراراهبردی در این تعریف و تنقیح آن است که نباید آن را با راهبرد ملی اشتباه گرفت و سطح کلی تری را نشانه رفت که راهبردهای متناسب و موردنیاز را تغذیه کند. البته یکی از مهم‌ترین نقدهای سند پیشنهادی عدم درک جامع و پیوسته و مورداجماع از همین مفهوم تدبیر بوده و هست (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸) که توجه بسیاری از محققان خط‌مشی را جلب کرده است.

۲. طرح مسئله

الف- پدافند غیرعامل

مسئله محوری مقاله حاضر جست‌وجوی رویکرد پدافند غیرعامل در اسناد کلان سیاستی و نقد و تحلیل سیاست‌ها و نظریه‌های مسبق آن‌ها از این حیث است. شکی نیست که جهان امروز همان قدر که عرصه همکاری است، عرصه رقابت هم هست و حتی اگر به ظاهر رفتارهای قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده هم توجه کنیم، استعلا و استکبار فراگیر، فشار علیه

اقتصادهای مستقل و منازعات تند و تیز گذار نظم بین‌الملل از تک‌قطبی به چندقطبی غلبه دارد. در این شرایط هیچ رژیم سیاسی بدون توجه به محیط و فرض بحران‌های محتمل موردی و تدریجی و نگرانی بقا، متصور نیست؛ به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران که طبق قانون اساسی، اساساً دشمنی نظام استکبار با خود را متذکر شده و ستیز با ظلم را در رأس آرمان‌های خود قرار داده است (بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی با موضوع وظایف نظام و دولت). اما صریح‌ترین توجه به ماهیت پدافند غیرعامل در متن فعلی «الگوی پایه» - که تأکید مقاله بر آن است - رویکردی اقتصادی-سیاسی دارد و مربوط به «تدبیر ۲۶» و عبارت از «مصون‌سازی و تقویت فرایندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در مقابل تکانه‌های سیاسی-اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند برون‌زا» است. پس از این، «تدبیر ۵۳» هم از سنخ دفاع غیرعامل است که رویکردی اجتماعی دارد و عبارت است از: «پیشگیری از شکل‌گیری تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران، گسترش بسیج مردمی^۱ و تقویت بنیه دفاعی بازدارنده».

این توجه و سیاست‌گذاری نشان از توجه جدی طراحان نقشه پیشرفت جمهوری اسلامی به مدیریت فعالانه و پیش‌دستانه تهدیدها علیه نظام و جامعه ایرانی دارد، اما واقعیت آن است که پدافند غیرعامل به‌مثابه رویکردی جامع می‌تواند در سایر حوزه‌های پیشرفت به‌ویژه حوزه اجتماعی اشراب شود.

این مقاله درصدد بازاندیشی در تدابیر اجتماعی «سند الگوی پایه» و نیز استخراج نقاط خلأ و غفلت آن از این منظر است؛ از این‌رو، برای فهم مسائل سیاستی نظام در عرصه اجتماعی یکی از جدیدترین اسناد جامع ملی که از سطح حاکمیتی، کلان و رسمی برخوردار است را مرور می‌کنیم. بر این اساس، مشخص می‌شود که الگوی پایه تا چه حد با مسائل سیاست اجتماعی تطابق دارد و در این تطابق یا تغایر، چه توجهی به نظریه سیاستی مهمی چون «پدافند غیرعامل» شده یا نشده است؟

۱. بسط و شکوفایی نهادهای مشارکتی و کنشگر از رموز تحقق عدالت استحقاقی یا رویه‌ای است که منجر به عدالت اجتماعی و توسعه اجتماعی می‌شود. این نسبت بین عدالت اجتماعی با پدافند غیرعامل است؛ چراکه احساس عدالت از وجوه مهم تاب‌آوری یک جامعه است؛ از این‌رو، راهبرد سیاست‌گذاری بر پایه هم‌نوازی جماعتی و شکوفایی فردی مطرح می‌شود (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴)؛ از سوی دیگر، این سیاست را می‌توان بر اهمیت سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل حمل کرد. تمرکز بر مقوله سرمایه اجتماعی به‌دلیل نقشی است که در تولید و افزایش سرمایه‌های انسانی و اقتصادی ایفا می‌کند. به همین دلیل امروزه در بررسی و تدوین شاخص‌های اجتماعی توسعه توسط سازمان‌های معتبر جهانی، سرمایه اجتماعی پایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

ب- مسائل سیاستی حوزه اجتماعی

• براساس سیاست‌های برنامه ششم

سلامت و پیشرفت اجتماعی حول عدالت اجتماعی از آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهبران آن بوده است. جایگاه عدالت اجتماعی در نظام هستی، ضرورت اقامه آن در جمهوری اسلامی ایران، سه‌گانه «عدالت، عقلانیت و معنویت» به منزله چهارچوب مفهومی اقامه عدالت اجتماعی، چیستی عدالت اجتماعی و ارکان شش‌گانه آن و درنهایت، واکاوی ابعاد عدالت‌پژوهی، ساختار کلی نظام فکری موضوعی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه عدالت است (سرآبادانی و دیگران، ۱۳۹۶).

از راهبرد ۳۹ تا ۵۱ سیاست‌های برنامه ششم توسعه که پس از بررسی‌های نخبگانی در مجمع توسط رهبری ابلاغ شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۹)، امور اجتماعی را متکفل شده است و از سلامت اداری، تأمین اجتماعی، ورزش، زن و خانواده تا صنایع دستی و غیره مورد توجه بوده است. برخی سیاست‌ها را، که به نظر ما در نظام و مسائل فرهنگی کشور قرار می‌گیرد، به گزارشی دیگر واگذار می‌کنیم و سیاست‌های مشخصاً اجتماعی برای رفاه، عدالت، سلامت اجتماعی به‌ویژه اقشار آسیب‌دیده یا در معرض تهدید را که شامل موارد زیر است، به‌مثابه اهم سیاست‌های اجتماعی نظام در نظر می‌گیریم:

- سیاست ۳۹. ارتقای سلامت اداری اقتصادی و مبارزه با فساد: فساد از فراگیرترین و دامنه‌دارترین موانع رشد و پیشرفت اثربخش جوامع در حال توسعه بوده است. فساد ظرفیت‌های واقعی رشد را در دور باطل فرصت‌طلبان/ دولت و جامعه فاسد می‌اندازد و مانع تأمین حداقل مشروعیت و اجماع ملی برای پی‌جویی اهداف عمومی و تحقق آرمان‌های جمعی می‌شود. انسجام اجتماعی را خدشه‌دار و گروه‌های خطرناک و مداخلات ناصواب در توسعه ملی را افزایش می‌دهد.

- سیاست ۴۰. استقرار نظام یکپارچه، جامع، شفاف، کارآمد و چند لایه تأمین اجتماعی: نسبت تأمین اجتماعی با تاب‌آوری و تقویت مقاومت اجتماعی و سرمایه انسانی به‌ویژه در تکانه‌های نسلی، اقتصادی و کلان توسعه، گاهی نسبتی علی و مطلق محسوب شده است (حسینی، ۱۳۸۸). گروهی مهم‌ترین برنامه دولت‌رفاه را تأمین اجتماعی می‌دانند، اما اینکه تکلیف دولت‌رفاه در

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تعیین شود و طبعاً نظریه عدالت و استضعاف‌زدایی^۱ پشتیبان سند هم تدوین شده باشد یا نباشد، موضوع مهمی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی به این مسئله اشاره دارد، از جمله بند یک اصل چهل و سوم قانون اساسی که به موجب آن تأمین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه بر عهده دولت است. این اصل عدالت اجتماعی را عدالت توزیعی دانسته است. عدالت توزیعی با تئوری عدالت جان رالز وارد مرحله جدیدی شده است. مطابق نظر رالز، عدالت یک ارزش ساده در میان ارزش‌های دیگر نیست که بر نظم اجتماعی و روابط انسانی اثر می‌گذارد، بلکه یک ارزش اجتماعی متعالی و اساسی است. اهمیت و جایگاه ارزش اجتماعی آن همسان با اهمیت مسئله حقیقت در معرفت انسانی است. «همان‌گونه که اعتبار مشروعیت هر تئوری و گزاره شناختی به واسطه مسئله حقیقت محک زده می‌شود، مشروعیت و کمال هر ساختار اجتماعی نیز مبتنی بر سازگاری و انطباق آن با اصول عدالت است. این رویکرد نو و نظریه‌های عدالتی که به صورت رقیب نظریه عدالت رالز یا بسط انتقادی آن ارائه شده، مبحث عدالت توزیعی را به یکی از اصلی‌ترین محورهای فلسفه سیاسی معاصر بدل کرده است» (واعظی، ۱۳۸۳).

همچنین، بند دوم اصل سوم و نیز اصل سی‌ام قانون اساسی، که آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را از اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند، و از همه مهم‌تر اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، که مقرر می‌دارد «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی همگانی است و

۱. موضوع دومین نشست راهبردی الگوی پیشرفت در محضر رهبر انقلاب اسلامی عدالت بود. در همان جلسه ایشان به اهمیت تقریر و استقرار نظریه جوهری اسلامی ایران در عدالت و خلأ آن اشاره داشتند (۱۳۹۰/۲/۲۷). پاره‌ای از چالش‌های ناشی از بی‌عدالتی اجتماعی در جامعه از دیدگاه رهبر معظم انقلاب را می‌توان چنین برشمرد: محرومیت‌های اقتصادی چون فقر و بیکاری، معضلات اقتصادی چون گرانی، تورم و کاهش ارزش پول ملی، استفاده نادرست از سرمایه‌ها و منابع، روابط ناسالم میان ثروت و قدرت، عدم تدوین قوانین مناسب و عدم اولویت‌دادن به امور اقتصادی با اهمیت‌تر در تنظیم سیاست‌ها، زندگی اشرافی برخی مسئولان، فسادهای مالی و اداری، تبعیض، توجه به سفارش‌ها و پارتی‌بازی، عدم توجه به امور اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر، ترجیح بخش دولتی و عمومی بر بخش خصوصی و تعاونی‌ها، نابرابری در استفاده از موقعیت‌ها و اختلاف درآمدها (به نقل از گزارش سایت دیدبان <http://didban.ir/fa/news-details/41301>).

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی یادشده را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند».

- سیاست ۴۱. توانمندسازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه‌های رفاه و تأمین اجتماعی: تأمین اجتماعی از اساسی‌ترین حقوق زحمت‌کشان جامعه و جزء جدایی‌ناپذیر «حقوق کار» و مکمل آن است؛ زیرا زحمت‌کشانی که با نیروی کار خود چرخ‌های عظیم اجتماع را به گردش درمی‌آورند و نقش فعالی در تولید اجتماعی ایفا می‌کنند، خود و خانواده‌شان حق دارند در قبال این کوشش مداوم در برابر حوادث، بیماری‌ها، بیکاری، ازکارافتادگی، بازنشستگی و غیره از پوشش تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند، اما میزان تحقق و تعمیق یافتگی این حق مسلم و اساسی بستگی به سیاست‌های اجتماعی و عدم کفایت به شاخص‌های اقتصادی دارد. در این میان سیاست توانمندسازی و عدم نیاز پروری^۱ در مواجهه با محروم (تداوم حمایت‌ها و وابسته‌سازی محرومان به دولت یا غیره)، خود از مهم‌ترین دلالت‌های مقاوم‌سازی اجتماعی است که در سیاست‌های کلان نظام تصریح شده است.

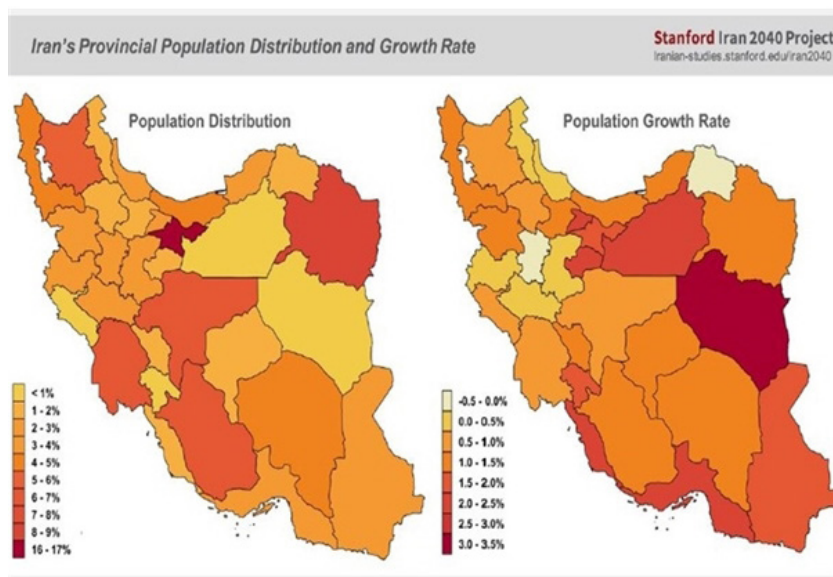
- سیاست ۴۲. ارتقای کیفیت و اصلاح ساختار بیمه‌های تأمین اجتماعی پایه.

- سیاست ۴۳. اجرای سیاست‌های کلی سلامت: این سیاست‌ها، که در سال ۱۳۹۳ ابلاغ شد، بهترین ریل‌گذاری برای نظام سلامت کشور است، تأکید بر پیوست‌نگاری سلامت در طرح‌های کلان توسعه، اصلاح ساختاری نظام سلامت، منابع مالی پایدار بخش سلامت و بهبود کیفیت خدمات سلامت در این سیاست موردنظر است. تحولات در سبک زندگی که منجر به افزایش آسیب‌پذیری جسمی و روانی سرمایه‌های انسانی، به‌ویژه در جامعه ما شده است، تهدیدات غذایی، آب و هوایی و بیولوژیک و مهم‌تر از همه ارتقای توان جسمی، حرکتی، روانی و کاری شهروندان در طراز پیشرفت و قدرت ملی، ایجاب می‌کند نگاه عمیق‌تری به حوزه سلامت در الگوی پیشرفت داشته باشیم.

۱. جرج و ویلدینگ در تأکید بر اهمیت نیاز به‌عنوان مبنای توزیع عادلانه در نگرش چپ، در قسمت پشت جلد کتاب خویش چنین می‌نگارند: اصل بنیادین سیاست اجتماعی رادیکال آن است که منابع (resources)، چه در زمینه بهداشت، آموزش، مسکن یا درآمد، باید براساس «نیاز» توزیع شود (wilding 1976) به نقل از واعظی، (۱۳۸۳). راولز معتقد است که نظام اجتماعی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که توزیع مواهب، درآمد و امکانات در هر حال عادلانه باشد، حتی اگر در این مسیر تبعیض‌هایی نیز به نفع فرودست‌ها اعمال شود؛ پس اعمال برخی نابرابری‌ها به نفع نابرخوردارها و انتقال بخشی از ثروت از طبقه‌ای به طبقه دیگر و همچنین، کمک و پشتیبانی‌های دولتی به اقشار خاص قابل توجه است.

- سیاست ۴۴. توسعه تربیت بدنی و ورزش همگانی: طبعاً این سیاست با همه ابعاد سلامت مرتبط و نیز مؤلفه مهم نشاط اجتماعی و غنی‌سازی اوقات فراغت انباشته‌شده نسل جدید است. همچنین، می‌توان با پیوند ورزش‌های همگانی با روحیه پهلوانی و فرهنگ مقاومت و عزت و ایثار، زیرساخت تاب‌آوری اجتماعی را تقویت کرد.

- سیاست ۴۵. فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه تحقق سیاست‌های کلی جمعیت: ^۱ محققان زیادی جمعیت و تغییرات آن را از مقولات تهدیدزا و فرصت‌آفرین دانسته‌اند که از ستون‌های اقتدار جامعه است (علینی، ۱۳۹۴؛ نیز نک.: قاسمی، ۱۳۹۶).



شکل ۱. سمت چپ: نقشه توزیع جغرافیایی جمعیت در استان‌ها؛
سمت راست: نقشه نرخ رشد جمعیت در استان‌ها

- سیاست ۴۷. اولویت‌دادن به ایثارگران در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی که بی‌شک اگر با فرهنگ‌سازی و مدیریت تصویر شایسته انجام گیرد منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی این مجموعه و نیز الگوگیری سایر بخش‌های جامعه از منش و کارنامه ایثار اجتماعی و الهی آنان می‌شود. در این سیاست

۱. مصوب و ابلاغی ۱۳۹۳؛ نخستین بند این سیاست‌های بسیار راهگشا ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی را هدف گرفته است.

طبعاً به این غایت مهم اما پیچیده و آسیب‌شناسی و پیام‌سنجی سه دهه اجرای آن تصریحی نشده است. سیاست ۴۹. سامان‌بخشی «مناطق حاشیه‌نشین» و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن موضوع تدبیر است. آسیب‌های اجتماعی ناشی از «امواج سهمگین مهاجرت» در شش دهه گذشته، خود مولود طرح‌های توسعه صنعتی و سودای شهرنشینی بوده است. «بافت‌های غیراجتماعی» به مثابه زیستگاه و حتی شهرک‌های جدید که فاقد هویت محله‌ای و انسانی هستند، به کانون تجمع انواع ناهنجاری‌های عمومی از اعتیاد و فحشا و نکدی گرفته تا فروپاشی خانواده بدل می‌شوند. از منظر تهدیدزایی، آسیب‌های اجتماعی و سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای موضوع مهم امنیتی و حیاتی یک نظام سیاسی مانند جمهوری اسلامی ایران است.^۱

• براساس سیاست‌های کلی پدافند

در متن سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل تصریح یا اشاره‌ای به زیرساخت‌ها یا ابعاد اجتماعی دیده نشد. حال آنکه برای مثال مسکن و شهرسازی و شهرنشینی، که مقوله‌ای اهمیت یافته در نظم اجتماعی جدید است (و عمده‌تاً اقتصادی دیده شده است)، حتی در حداقلی‌ترین برداشت‌ها از پدافند می‌توانست مورد توجه قرار گیرد. حفظ انسجام و همگرایی محلی در مواقع تهدید، خودیاری‌گری شهرنشینان در مواقع بروز بحران (مانند قطع خرابکارانه و سراسری زیرساخت‌های حیاتی شهر/ آب و برق و حتی تلفن)، کنترل، بقا، تخلیه و تأمین امنیت روانی در تهدیدهای غیرطبیعی و غیره همگی با نگاهی اجتماعی می‌توانست موضوع پدافند قرار گیرد و جای جبران آن در سند و الگوهای پیشرفت مورد طراحی است.

تا اینجا تقریباً مسائل سیاستی پایه و رسمیت‌یافته اجتماعی نظام استحصال شد. در ادامه، عدم توجه به سیاست‌های اجتماعی مذکور یا نقص و تفاوت رویکردی در تدابیر تنظیم‌شده در الگوی پایه بررسی و پیشنهادهای ایجابی نیز در همین محدوده طراحی خواهد شد.

۱. یک سویه مهم بحث مشکلات و آسیب‌های شهری پدیده بی‌خانمانی است که فراتر از حاشیه‌نشینی مهاجران است. افزایش نسبت مالکان به غیرمالکان (که در همه نظام‌ها عملاً سه چاره دارند (اجاره دولتی-سازمانی، اجاره خصوصی و اسکان نامناسب) و کاهش شانس تبدیل بی‌خانمان‌ها به خانواده عادی چالش را مضاعف می‌کند. شرایط انحصار و سوداگری در مسکن هم باعث می‌شود شکاف اجتماعی و احساس نابرابری و فقر نسبی بین بی‌خانمان‌ها افزایش یابد. در برخی کشورهای اروپا حتی بریتانیا بخش عمومی به کمک این وضعیت آمده و شهرداری‌ها در موقعیت بحرانی با تأمین خانه و اجاره به شرط تملیک، آرامشی را برای تحقق اصلاحات آرام فراهم کرده‌اند (D.Mullins and A.Murie, Housing policy in Britain. Macmillan, 2006).

۳. چهارچوب مفهومی و روشی

الف - از رشد تا خوشبختی، از خوشبختی تا به‌زیستن؛ الگوهای توسعه اجتماعی اگر مهم‌ترین غیریت و دیگری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را نظریات اقتصاد نئوکلاسیک و الگوی لیبرال توسعه بدانیم - که عمدتاً در فروکاست نقش دولت در جامعه و ارتقای فردیت و بازار شناخته می‌شوند - لازم است ابعاد اجتماعی آن را بازشناسی کنیم تا احتمالاً در تلاش جدید، درگیر التقاط یا تقلید نشویم. در سیر تکاملی نظریه لیبرال دموکراسی، در نظریه اصالت فایده‌بنام، اندیشه آزادی فردی منفی با اصل شادی و سعادت فردی آمیخته شد و بدین‌سان، اصل آزادی با اصل برابری افراد در برخورداری از شادی و سعادت تکمیل شد. جان استوارت میل هم با بیان ضرورت دخالت دولت در اموری چون تشویق آموزش و پرورش، نظارت بر وضع تمامی کارگران، تأمین بهداشت همگانی و غیره، بر تأمین آزادی مثبت به‌عنوان جزء اصلی لیبرال دموکراسی تأکید کرد و سرانجام در قرن بیستم، تکلیف دولت - رفاه‌پدیدار شد (بشریه، ۱۳۷۹: صص ۱۹۲۰). هدف غایی دولت، نه تأمین حداکثر آزادی،^۱ بلکه تأمین حداکثر شادی و سعادت همگانی است. آزادی باید تسلیم شادی و سعادت شود؛ از این رو، بنام هوادار دموکراسی و برابری نسبی در مالکیت به منظور تأمین سعادت عمومی است.

بر این اساس، برخی از متفکران اصل شادی اکثریت را مغایر فردگرایی لیبرال و موافق دموکراسی غیرلیبرالی یا جمع‌گرایی تلقی کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، در اندیشه بنام برخی تعارض‌های لیبرالیسم با دموکراسی آشکار شده است. در رویکردهای جدید لیبرال‌ها، که اتفاقاً بر ماهیت اجتماعی توسعه تأکید می‌شود، از نظریه و الگوی خطی که عمدتاً مبتنی بر افزایش تولید ناخالص ملی و رشد انباشت سرمایه تولیدی است، گذر کرده و به الگوی انسانی‌تر اما فردی خوشبختی^۲ سوق داده شده‌اند. متأخرتر از این هم حکمرانی خوب (نک: صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶) و به‌زیستن^۳ مورد توجه قرار گرفته است (نک: باک، ۱۳۹۶). هرچند به‌زیستن از الگوهای خشن و مطلقاً اقتصاد

۱. جان‌گری با تحلیل متن و بازسازی استدلال میل نشان داده است که دفاع فایده‌گرایانه او از اولویت آزادی نسبت به سایر ارزش‌ها کار محالی نیست که منتقدان نشان داده‌اند و آموزه آزادی میل به خوبی درون فایده‌گرایی غیرمستقیم و نوعی لیبرالیسم کمال‌خواهانه می‌گنجد. اما در ویراست دوم این کتاب، فصلی به آن افزود که ضد و پیراست پیشین کتابش بود و نه تنها لیبرالیسم میل را به باد انتقاد گرفت، بلکه این کار را در حق همه لیبرالیسم‌های موجود انجام داد (گری، ۱۳۹۷).

2. Happiness
3. Well Being

پایه قبلی، بیشتر به شکوفایی و احترام به زیست انسانی توجه دارد و بسیاری جوامع اروپایی (به ویژه اسکاندیناوی) در اعراض از الگوی امریکایی بدان متوسل شده‌اند، همچنان بر اتمیزم اجتماعی و شرایط فردی شدن توجه دارد. البته نقاط مثبتی در این الگو وجود دارد که می‌تواند در نگاه پدافند غیرعامل به پیشرفت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد از جمله:

- عبور از شاخص‌های اقتصادی به شاخص‌های انسانی، آموزش، آگاهی و خوشبختی؛
- عبور از شاخص‌های کمی به کیفیت زندگی و به‌زیستن و سرمایه اجتماعی؛
- تصریح نسبی بر تکلیف دولت در تحقق تأمین اجتماعی، هرچند در احتراز از غیر بیمه دولتی (مالیات‌ها یا بخش خصوصی) (الکاک و دیگران، ۱۳۹۱: صص ۱۶۶-۱۵۳).

ب- نظریه سیاستی و روش ما بررسی اسنادی.

۴. یافته‌ها: تحلیل انتقادی سند الگوی پایه

همان‌طور که گفته شد، در الگوی پایه دو توجه جدی و مستقیم به پدافند غیرعامل شده است که در بادی امر به نظر می‌آید تدوینگران، ابعاد اجتماعی «بازدارندگی و تاب‌آوری ملی در موقعیت تهدید» را هم مدنظر داشته‌اند. در بخش آرمان سند یا همان آرمان پیشرفت اسلامی ایرانی هم به ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت اجتماعی توجه شده است؛ از جمله سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری و امنیت به‌نحو مطلق (مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۱۳۹۷).

در «افق سند» هم می‌خوانیم: «تا سال ۱۴۴۴ ایران به پيشتاز در ... سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی ... با رعایت عدالت بین نسلی ... فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن شده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر ... تأمین شده است با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید، ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان اداره می‌شود». جهت ارزیابی جامع‌تر سند، تمامی تدابیری که به توسعه اجتماعی مربوط است در جدول زیر فهرست و نقد اولیه‌ای بر آن‌ها ذکر شده است.

جدول ۱. تدابیر اجتماعی سند الگوی پایه پیشرفت

شماره تدبیر	نقد و معرفی	اصلاح و تکمیل
۱	۴۵ و ۷	مشارکت‌گرایی اجتماعی در همه انواع‌عش از رموز پیشرفت و اتقان جامعه و روابط آن است. تربیت نیروی انسانی مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی می‌تواند اشاره‌ای بر الگوی اجتماعی بسیج مردمی و تسری آن به همه عرصه‌های مسئله‌خیز، به‌ویژه در موقعیت تهدید و بحران باشد که در شرایط برخی کلان‌شهرهای فعلی ایران، بدون تحقق امداد همگانی و مردمی عملیات نجات محقق نخواهد شد؛ از این رو، جز تأکید بر تربیت برای ارتقای مشارکت اجتماعی، به نهادینه‌سازی آن هم نیاز داریم. در تدبیر ۴۵ نیز در کنار مردم‌سالاری دینی، عدالت و ثبات سیاسی به «حفظ و تقویت مشارکت مردمی» (مشارکت سیاسی) توجه شده است که فاقد بصیرت‌سیاستی خاصی برای حکمرانی و کشورداری پیشرفته در ایران است.
۲	۸	موضوع این تدبیر ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقشار علمی و فرهنگی است. اما باید توجه داشت که «هندسه منزلت اجتماعی» مبتنی بر جامعه دینی و مدنظر سند چیست. این موضوع مغفول است؛ از این رو، می‌شود در الگوی لیبرال هم منزلت اساتید را حفظ کرد، ولی اقشار دیگر چه می‌شوند؟
۳	۹	این تدبیر عملاً چهار مسئله مهم که دو مورد آن که اجتماعی‌تر است را ترکیب و در قامت یک تصمیم حاکمیتی/ملی عرضه کرده است: «نهادینه‌سازی سبک زندگی» اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با «تسهیل ازدواج» و «تحکیم خانواده» و ارتقای «فرهنگ سلامت در همه ابعاد»؛ حال آنکه خانواده در همه نظام‌های حکمرانی مسئله‌ای بسیار مناقشه‌انگیزتر از این است که آن را صرفاً مسیر تحقق سبک زندگی مطلوب بدانیم. جایگاه و نسبت توسعه با خانواده، به‌نوعی از کانون‌های تمایز بخش هر الگوی توسعه است. اما هرچند حوزه سلامت در تدابیر دیگر هم مورد توجه است، در اینجا به‌مثابه قید سبک زندگی مطلوب آمده که مشروط بر نظریه‌پردازی شایسته، الهام‌بخش است. ^۱

۱. قید سالم (صرفاً) برای سبک زندگی، برای حکمرانی و خط‌مشی ملی پیشرفت الهام‌بخش نیست.

<p>باید نخست دکتربین یا هدف نظام تأمین اجتماعی مشخص شود. مثلاً در بریتانیا، هدف کاهش فقر است و این به معنای بازتوزیع از ثروتمند به فقیر است (الکاک و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۱۲۶). در همین رابطه، اجتماع‌گرایان تلاش می‌کنند از فردگرایی محض در زمینه تعیین و تعریف حقوق فردی پرهیز کنند و ارزش‌ها را در بستر فرهنگ اجتماعی هر اجتماع خاص جست‌وجو کنند. در این دیدگاه هر اجتماع تلقی خاصی از عدالت دارد و ایده‌ها و معیارهای مربوط به عدالت را باید در درون گروه‌ها و اجتماعات براساس ارزش‌ها و فرهنگ‌های خودشان جست‌وجو کرد. محور مشترک این دیدگاه‌ها، نفی رویکرد فردگرایانه در تبیین عدالت و توجه و تمرکز معرفت‌شناختی بر اجتماع برای تعریف خیر و ارزش‌هاست. السدیر، مک اینتایر، مایکل ساندل، والزر و چارلز تیلور از نمایندگان برجسته این دیدگاه هستند.^۱ البته دکتربین عینی اجتماع‌گرایان برای عدالت هم رقیبی قابل احترام برای دکتربین عدالت جمهوری اسلامی است.</p>	<p>از ابعاد عدالت اجتماعی در دولت‌های نوین، تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار است که در این تدبیر به‌صراحت به برنامه^۱ «ایجاد نظام یکپارچه مالیات‌ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی» تصریح شده است.</p>	<p>۴ ۲۱</p>
<p>تفوق سیاست‌ها و ارزش‌های زیست‌محیطی ملی بر هر گونه تقاضا یا برنامه رشد صنعتی، معدنی و کشاورزی با هدف پیشگیری ملی از بحران‌های آینده - موضع‌گیری فعال و مطالبه‌گرانه در حکمرانی «فراملی» محیط زیست - اگر عصاره سیاست‌های کلی محیط زیست مندرج می‌شد بهتر بود.</p>	<p>تلائم و تنظیم پیشرفت مادی در رفق و هماهنگی با طبیعت خداداد و نفی انانیت تکنیکی از آثار تفکر الهی در این زمینه است. این دو تدبیر به‌بعد و تأثیر زیست‌محیطی توسعه و استعمال منابع توجه و تناسب با ظرفیت، حقوق و اخلاق زیستی و رعایت ملاحظات بین نسلی در بهره‌برداری از همه منابع را مبنای پیشرفت اسلامی ایرانی دانسته است. بحران‌های زیست‌محیطی حتی می‌تواند منشأ تهدیدزایی و تهدیدپذیری‌های غیرطبیعی (جنگ آب و غیره) در دهه‌های آینده باشد که این تدبیر زیست‌محیطی عملاً به آن بی‌توجه بوده است.</p>	<p>۵ ۲۷ و ۲۸</p>
<p>الگوی نخست باید «کلان مسئله عدالت» را مطرح و جهت‌گیری خود را با توجه به دکتربین‌های موجود عدالت در جهان طرح می‌کرد، آنگاه این زیرالگوها الهام‌بخشی داشت. مثلاً در الگوی اسلامی قسط و عدالت تناسب محتوایی و تلازم اجرایی دارند (الهی‌زاده، ۱۳۹۸) که در سند هرگز به آن توجه نشده است.</p>	<p>عدالت و دست‌رسی سرزمینی از دیگر ابعاد عدالت اجتماعی است. این تدبیر ضمن تأیید آن، الگوی استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف (نفی تمرکز در قطب‌های صنعتی) و توجه به استعداد‌های سرزمینی بیان شده است که در نهایت، دکتربین «توانمندسازی زیست‌بوم‌های محروم» را محقق می‌کند.</p>	<p>۶ ۳۰</p>

۱. برنامه، طرح و پروژه‌ها عناصر خط‌مشی یا همان مواد شکل‌دهنده به آن است، اما اینکه در الگو باید به این مواد هم پرداخت یا آن‌ها را به برنامه‌های چندساله سپرد، چیزی است که تدوین‌کنندگان الگو بدان تصریح نداشته‌اند.

۲. سید هادی عربی در کرسی ترویجی عدالت اجتماعی نک: <http://iiict.ac.ir/korsiedalat/2>.

۷	۳۵	<p>در نظام سلامت، به‌ویژه با نگاه اسلامی، پیشگیری و تغذیه دورکن و اولویت قطعی هستند. تأمین امنیت و ایمنی غذا و ترویج تغذیه سالم موضوع تدبیر سی و پنجم است، اما نتوانسته است با غیریت و دکترین‌های رقیب خود درگیر شود.^۱ در ادامه ارتقای سازوکارهای نظارت بر تولید و توزیع مصاد غذایی و مصرفی آمده است که خود یک راهبرد و ابزار سیاستی است که می‌توانست با ملاحظات پدافند غیرعامل در پیشگیری و تاب‌آوری نسبت به جنگ بیولوژیک و ژنتیک، تهدیدهای الگوی واردات‌گرای غذا^۲ در موقعیت جنگ و بحران تکمیل شود.</p>	
۸	۳۶	<p>مسئله پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات پزشکی و توزیع عادلانه منابع حوزه سلامت در همه نظام‌ها و سیاست‌های اجتماعی نوین وجود دارد، اما چگونگی حل آن بر عهده این تدبیر بود که حتی به الگوهای غیربومی اشاره نشده است.</p>	
۹	۳۷	<p>اجتماعی‌سازی و مردمی‌سازی از مهم‌ترین رویکردها در تحقق اهداف ملی است. همکاری بین‌بخشی و مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای «سلامت» با اولویت پیشگیری و کنترل عوامل تهدیدکننده در این تدبیر تصریح شده است که می‌تواند الهام‌بخش تصمیم‌گیران ملی باشد.</p>	
۱۰	۳۸	<p>در شرایط فعلی زیستی جهان معاصر و جامعه ما هیچ الگوی مختاری در رشد جمعیت، فقط با مؤلفه باروری محقق نمی‌شود. این تدبیر فقط به مؤلفه باروری، که خود مستلزم تشکیل خانواده پایدار و تغییر سبک زندگی فردگرایانه است، منحصر شده است؛ حال آنکه پنجره جمعیتی و بحران بلندمدت جمعیت نیازمند پیش‌بینی‌های دیگری هم هست. ضمناً واژه «تنظیم» (نرخ باروری در بیش از سطح جانشینی) ابهام‌زاست.</p>	
<p>در نظام الگوی استقلال، امنیت، حلیت بر حکمرانی ارزاق عمومی (تولید و تأمین) - پیشرانی «تغذیه طیب» در نظام سلامت و «حکمرانی واحد تغذیه»</p>	<p>بالاتر نحوه تأمین منابع این پوشش همگانی دولتی، خصوصی یا عمومی است؟ در قانون اساسی تصریح دولت وجود دارد.</p>	<p>به «عوامل تهدیدکننده سلامت» می‌توان «شرایط تهدید» را هم افزود. در شرایط بحران، قحطی، احساس خطر و تخریب ناشی از حمله ناگهانی و نیز آوارگی، زمینه تهدید غذایی و تهدید سلامت فراهم است. تاب‌آوری و به‌حداقل رساندن خسارت ناشی از تهدیدها بر سلامت جسمی شهروندان مورد توجه مستقیم قرار نگرفته است.</p>	<p>تحول نگرش به جمعیت از صرف مسئله نظام بهداشت و مراقبت به مسئله عمیق امنیت اجتماعی و دفاعی، در دوره پیش رو ضروری است. مسئله جمعیت به لحاظ فرهنگی نیازمند تغییر اساسی در سبک زندگی و انگاره‌های به‌ویژه زنان است، اما به لحاظ اجتماعی به‌شدت با سیاست مهاجرت (درونی) مرتبط است که اساساً از آن غفلت می‌کنیم.</p>

۱. فرضاً براساس این تدبیر توسعه کشاورزی و دامداری صنعتی و انبوه، محصولات تراریخته، الگوهای شبه مدرن داشت و برداشت، به‌ویژه در کاربرد کودهای شیمیایی، تنظیم سبب غذایی بر مبنای محدودیت و فقر درآمدی خانواده و غیره چه حکم قطعی پیدا می‌کند؟
۲. منظور آسیب‌پذیری اقتصاد کلان و وابستگی سفره خانواده به واردات مواد غذایی، به‌ویژه در عرصه محصولات پروتئینی (نهادها) و غیره است.

<p>ارتقای توانمندی‌های حوزه پزشکی با هدف ارائه آموزش، خدمات و تولیدات در سطح ملی و بین‌المللی: این تدبیر هم نسبت به مسئله و اسناد مادر نظام در حوزه سلامت و رفاه اجتماعی خنثی و لابشرط است. حکمرانی صنفی شده پزشکان بر آموزش پزشکی باعث شده است ملاحظات اقتصادی با عنوان جذاب محدودیت و کیفیت خدمات و آموزش‌های تخصصی در نظام سلامت نهادینه و در واقع انحصار ساختاری و حقوقی به نفع پزشکان متخصص و فوق متخصص و بیمارستان‌ها ایجاد شود.</p>	<p>۴۰</p>	<p>۱۱</p>
<p>مسئله زنان در جمهوری اسلامی ایران فراتر از غرب و مستقل مطرح می‌شود؛ تا آنجا که به تعبیر رهبری، ما در این حوزه از غرب مطالبات و سؤالات جدی داریم. عدالت جنسیتی هنوز نه در الگوی پایه و نه دیگر اسناد بالادستی تبیین نشده است.</p>	<p>۴۱</p>	<p>۱۲</p>
<p>از مهم‌ترین وجوه پایدار و مقاوم‌سازی ساخت دورنی نظام، سلامت افکار عمومی از ویژگی‌های توده‌گرایانه و غوغاپذیرانه است. این سیاست با برنامه‌های سواد انتقادی / رسانه‌ای، بازگرداندن اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی و تقویت نهادهای مدنی اصیل واسطه محقق می‌شود.</p>	<p>۴۶</p>	<p>۱۳</p>
<p>البته بهتر است الگوی مقابله با فساد (همه انواع) در مباحث نظام اداری سیاسی بررسی شود (که خود تخصصی مستقل است) نه اجتماعی؛ - الگوی شفافیت درون‌گرا (نه برون‌گرا که سامانه‌های ملی را در معرض فراملی قرار می‌دهد و خود تهدیدزاست). - الگوسازی ملی از مدیران و مدیریت جهادی و پاک‌دست.</p>	<p>۴۸</p>	<p>۱۴</p>

۱. متأثر بودن از غوغاسالاران ارتباطی نوین و جنگ‌های هیبریدی علیه جوامع.

۱۵	۴۹	اجرای کامل ضمانت‌های پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه.	انتظار بود بصیرت و نظریه‌ای داده شود که آزادی‌های مدنظر در قانون اساسی را نقد (متعین و عملیاتی) کند و موانع را بشکافد! حال باز وعده اجرای قانون اساسی می‌دهیم! اگر راه‌حل الگو نظریه معاصر شهروندی (فرهنگی/اجتماعی/سیاسی) است، باید تصریح می‌شد. این تدبیر فرض گرفته است که مشکل جامعه در این حیطه احساس آزادی است، ولی باز فاقد پاسخ تحلیلی است. نکته اصلاحی دیگر توجه به اصل دفاع غیرنظامی در دو موقعیت متفاوت (عادی و بحران) مدنظر است و در شرایط بحران نسبت آزادی و امنیت بازنگری و به‌طور موقت، اختیارات و آزادی‌ها محدود می‌شود. برای این اضطرار، باید پیش‌بینی‌هایی در الگو انجام شود.
----	----	--	---

در ادامه و در جدول ۲ مبتنی بر ماهیت و اهداف پدافند غیرعامل به سراغ نقد درونی تدابیر ذکر شده می‌رویم. علامت «+» نشان ربط موضوع با اهداف پدافند غیرعامل است که البته به معنای تأمین کامل و یا مستقیم هدف نیست؛ بنابراین، می‌توان تدبیر را تقویت کرد. علامت «-» نشانه عدم ارتباط و پیوند با اهداف است، یعنی اساساً رویکرد دیده نشده است و علامت «*» نشانه غیر قابل بررسی بودن به لحاظ موضوع است.

جدول ۲. رابطه تدابیر سند پایه با مولفه‌های پدافند غیرعامل

شماره تدبیر	افزایش بازدارندگی	کاهش آسیب‌پذیری	تداوم فعالیت‌های ضروری	ارتقای پایداری ملی	تسهیل مدیریت بحران
۷	-	-	*	+	-
۸	-	*	*	-	-
۹	+	-	+	*	*
۲۱	-	*	*	-	-
۲۸	-	+	*	*	-
۳۰	*	-	+	+	*
۳۵	*	-	*	+	*
۳۶	*	-	*	-	*
۳۷	*	-	*	*	+
۳۸	+	-	*	-	*
۴۰	-	-	*	*	+
۴۱	-	-	*	+	*
۴۶	+	+	*	+	*
۴۸	*	+	*	-	*
۴۹	+	*	*	*	*

براساس جدول بالا، تدابیر می‌توانست بیشترین ربط با دو مؤلفه «افزایش بازدارندگی» و «کاهش آسیب‌پذیری» را داشته باشد که البته از تأمین مثبت و عمیق این پیوند غفلت شده است.

کاوشی در سیاست‌های مطلوب

این بخش عملاً به سه عنوان کلی می‌پردازد و دربارهٔ تدابیر موجود با مورد غفلت «تغییر، حذف یا تأسیس» را پی می‌گیرد. بر این اساس، به هدف و مسئله مندرج در بخش اول خواهیم رسید. **پیشنهاد‌های تغییر:** عمدهٔ پیشنهاد‌های تغییری در ستون تکمیل تدابیر بخش قبل آمده است، اما به‌طور کلی شایسته است به شکل زیر دسته‌بندی و بازنویسی شود:

- سیاق تدابیر به گزاره‌هایی در مقام بیان تبدیل شود و در واقع، پاسخی بر مسئله‌ای مورد اذعان و تفاهم، حکایت از واقع (مسئله) و انتخاب یک هنجار کلان باشد.^۱
- گزاره‌های برنامه‌ای و حتی راهبردی حذف و به برنامه‌های پنج‌ساله و سالانهٔ پیشرفت سپرده شود یا در هاشم سیاست‌ها و الگوها به‌مثابه اهداف فرعی و نمونه‌های برنامه‌ای بیاید.
- با اذعان به تنوع قومی، زبانی و مذهبی و غیره در ایران در مبانی یا اهداف، عدالت اجتماعی در کنار عدالت اقتصادی به مسائل اصلی سند ارتقا یابد.
- نسبت علی یا تعاملی یا هر رهیافت دیگر در رابطه «امنیت اجتماعی با پیشرفت» مشخص و اعلام شود. به نظر برخی علت‌گراها، «امنیت واقعی» فقط در صورت نیل به پیشرفت ممکن است و در غیر آن، حتی اگر شرایط به ظاهر آرام باشد، «ثبات» ندارد و دستخوش تغییر و تحول می‌شود. دلیل این امر می‌تواند به بروز ناامنی از ناحیهٔ نبود یا ضعف عدالت در برنامهٔ پیشرفت، عدم توازن و یا ناپایداری آن باشد.

پیشنهاد‌های حذف: تدابیری که فاقد ارائهٔ الگو هستند و ضمناً ذیل مسائل کلان دیگر هم قابل طرح هستند را می‌توان حذف کرد. مواردی هم هست که می‌توان سیاست‌های کلی ابلاغی را مکفی دانست و در ضمیمه به آن‌ها اشاره کرد.

پیشنهاد‌های تأسیس: سند الگوی پایه در حوزه‌های مراقبت بهداشتی (سلامت)، عدالت، رفاه و تأمین اجتماعی و محیط‌زیست تدابیر مختلفی دارد، اما اساساً در حوزه «مشارکت و همزیستی،

۱. برای مثال، در سیاست‌های رفاه و تأمین اجتماعی، الگوی تکافل عمومی و تعاون برادرانه با ایفای نقش تکمیلی و بالضرورهٔ دولت میناست.

شهرنشینی (آسیب‌ها)، سرمایه اجتماعی، مراقبات اجتماعی» از گروه‌های خاص و غیره فاقد تدبیر جهت‌بخشی است. ضمناً سند موجود در حوزه عدالت و نابرابری اجتماعی تدابیری کلی دارد و «فاقد موضع‌گیری‌های عینی» است. یکی از شاخص‌های شکاف طبقاتی در جامعه امروز و چند دهه پیش روی ما مسئله «آموزش» است؛ تا جایی که براساس برخی بررسی‌ها، البته در سال ۱۳۹۶، میزان نابرابری‌هایی که در هزینه‌های آموزش بین خانواده‌های دهک بالا و دهک پایین وجود دارد، حدود یک به پنجاه‌وسه است؛ یعنی دهک ثروتمند ۵۳ برابر دهک فقیر، برای آموزش فرزندش هزینه می‌کند. حالا تصور کنید که آیا در چنین شرایطی رقابت برای موفقیت در ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر یا اساساً شرایط شکوفایی و تربیت علمی، مهارتی، اجتماعی و حتی مذهبی یکسان خواهد بود؟

با اذعان به این شرایط، می‌توان برخی تدابیر ویژه را امکان‌سنجی کرد. شایان ذکر است در هر مورد باید حداقل موارد زیر را به رؤیت جامعه‌سیاستی و ابلاغ‌کننده نهایی تدابیر رساند تا یک تصمیم‌گیری حکمرانانه خردپایه صورت پذیرد و آن موارد عبارت‌اند از:

- نسبت با مبانی الگو،
- هدف تدبیر،
- شرایط محیطی و مسئله‌شناسی وضع موجود،
- نسبت با اهداف متناظر در افق،
- ارتباط ساختاری (تدابیر کمکی و اهداف هم‌راستا)،
- شاخص پایش و نظارت،
- نظریه و دکترین‌های رقیب/جهانی.

۱. ابتدای سیاست‌های اجتماعی بر رفع مطلق نیازهای اساسی محرومان درعین پرورش آزادی و خلاقیت (استحقاق‌گرایی) و نقش مکمل نهادهای عمومی در تأمین اجتماعی، سلامت و آموزش (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴).

۲. حفظ و صیانت از جامعه در مقابل تغییرات ناخواسته و برون‌زا و تحمیلی و عفونت‌های اشاعه‌یابنده در نگرش‌ها و گرایش‌های جامعه در زیرنظام امنیت فرهنگی محقق می‌شود. رهبر معظم انقلاب اصل حرکت و بقا در جمهوری اسلامی را با تهدیدافکنی دشمن متلازم دیده‌اند و امید و شجاعت و اعتماد به نفس اجتماعی را در تیررس این تهدیدات می‌دانند: «بدانید امروز بیشترین نقشه دشمنان، این کارهای عظیم، متوجه این است که ملت ایران این اعتمادبه‌نفسی را

که دارد ازدست بدهد. حالا من به این قضیه خواهم پرداخت - عرض خواهم کرد - تلاش مهم جنگ نرم دشمن، امروز متوجه این است که ملت ایران امیدش را ازدست بدهد. از این آیه‌ای که عرض کردیم «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»، معلوم می‌شود که این تبلیغ، دشمن دارد؛ [وقتی] که می‌فرماید تبلیغ می‌کنند رسالات الهی را، از خدا می‌ترسند، از غیر خدا نمی‌ترسند، پیداست که غیر خدا در مقابل این مبلغان الهی، مبلغان رسالات الله، صفا آرایی دارند؛ بحث بر سر دعواست. یا در آن آیه شریفه «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» که [می‌فرماید] خدا تو را حفظ می‌کند، نگران نباش، دغدغه نداشته باش از دشمن، پیداست که در مقابل تبلیغ پیغمبر، صف دشمنان است، جبهه دشمنان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۰/۶).

بر همین مبنا، «بلندگوهای دشمن بیشترین تبلیغات خود را صرف مایوس کردن و ترساندن مردم می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۳/۲۲)؛ بنابراین، در این حوزه پیشنهاد اصلی این است که تمامی تدابیر مرتبط با حوزه اجتماعی رویکرد اجتماعی شده به امنیت را جدی بگیرند و تأمین کنند. مثلاً در تأمین اجتماعی و سیاست‌های رفاهی باید توجه داشت که حفظ همبستگی و گرایش مستضعفان به نظام سیاسی اجتماعی رکن تاب‌آوری ملی است. امنیت مقوله‌ای زمینه‌گرا به‌شمار می‌آید و در بنای اجزای مفهومی آن، مجموعه آداب، سنن، اخلاقیات و سایر مقولات اجتماعی دخیل هستند. در گرایش علمی-جامعه‌شناسی امنیت، ارتباط بین مفهوم امنیت و ساختار اجتماعی از مفروضات اصلی است. طرح مقوله ساخت اجتماعی امنیت از سوی اندیشه‌گران این نحله علمی، انگاشتن امنیت را نهادینه می‌کند (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ص ۸۱).

۳. آزادی اجتماعی، حقوق شهروندی و محوریت قانون و نظم: آزادی (در اعمال اراده و تأمین نیاز) و امنیت (در سایه تمکین همگانی به قانون و حقوق عامه) مانند دو بال، رمز فراز و فرود فلسفه سیاسی مدرن هستند و هر یک از فلاسفه سیاسی تا امروز، در نسبت و بازی این دو با هم تحلیل‌ها و الگوهای سیاسی ارائه کرده‌اند. حال در نظریه و نظام جمهوری اسلامی ایران هم ابعاد (به لحاظ تفاوت و تعریف انسان) و هم تعامل آزادی و امنیت متحول شده است. قانون‌گرایی و نظم‌گرایی موجود در فرهنگ عمومی تابعی از برداشت ناموجه از آزادی یا نقصان در کم و کیف آزادی اجتماعی است. ما متناسب با تحول و تحمیل امر مدرن بر زیست و جامعه، در نرم‌افزارها و روابط اجتماعی نوآوری و الگوآفرینی نداشته‌ایم؛ از این رو، با الگوهای پیشین (مثلاً حاکمیت روابط شخصی/گمنشافتی) به استقبال دوره جدید رفته‌ایم و در محمضه‌های نوینش افتاده‌ایم. در

این بین، بوروکراسی و حکمرانی هم، که نقش ابزار مبادله اجتماعی و سیاسی را دارد، به شدت ناساز و بی‌قواره بار خاطر شده است و خودبه‌خود تولید نارضایتی می‌کند؛ تا آنجا که به جامعه بی‌هنجار و آنومیک نزدیک می‌شویم. عمل به قانون و احترام به حقوق «دیگران، بیت‌المال و حکومت» هم بدترین و هم مهجورترین راه رسیدن به هدف است.

دکترین اجتماعی پیشنهادی در این عرصه، با توجه به نظریه تلازم لایه‌به‌لایه (نبویان، ۱۳۸۶) حق و تکلیف «حق آزادی (از/ به) + تکلیف التزام به قانون = نظم عمومی»، «شهر و ندی عادلانه، نظارت ناصحانه»^۱ و «احقاق حقوق عامه با حمایت قوه قضاییه» است. البته در این عرصه باید از حقوقی‌سازی جامعه، اگر نظام‌های اخلاقی را تحت الشعاع قرار دهد، به شدت احتراز کرد.

۴. سرمایه اجتماعی: روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد و شبکه‌های متراکم تعامل و هنجارهای مشوق عمل جمعی سهم بی‌بدیلی در توسعه ملی و نیل به هدف دارند. تفاوت سرمایه اجتماعی با دیگر سرمایه‌ها این است که این شکل از سرمایه حاصل روابط و تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت اعضای گروه‌های اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست و نه افراد و به شکل عینی و فیزیکی وجود ندارد. تفاوت دیگر این است که سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مصرف شود، افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مصرف، رو به کاهش خواهد گذاشت. با بررسی اصول اسلامی مانند وحدت، اخوت، تعاون، مشورت، مصابره و رابطه، تکافل اجتماعی و همین‌طور فضایل اخلاقی نظیر صداقت، وفای به عهد، حسن ظن، خوشرویی و غیره درمی‌یابیم که اجرای اصول اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی بر انواع و سطوح مختلف سرمایه اجتماعی تأثیر زیادی دارد (افسری، ۱۳۹۱). مشارکت و سرمایه مشارکت مردم بی‌شک مهم‌ترین دارایی اجتماعی انقلاب اسلامی بوده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «انقلاب [اسلامی] با کودتا به وجود نیامد، با حرکت نظامی به وجود نیامد، مثل بعضی از انقلاب‌ها که یک عده افسر نظامی رفتند یک حکومتی را برداشتند، حکومت دیگری به جایش گذاشتند؛ نه، این انقلاب به وسیله مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که نترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه شریفه شدند که «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَحْنُ قَوْمٌ مُّسْلِمُونَ فَاصْبِرُوا لِحُكْمِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُصْبِرِينَ».

۱. مردم بر مردم؛ مردم بر دولت؛ دولت بر مردم؛ حاکمیت بر دولت.

مدام تهدید شدید، مدام گفتند حمله می‌کنیم، مدام گفتند تحریم می‌کنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ ترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوان‌های ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققان ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت کنند - که شاخص‌هایی را عرض خواهیم کرد - و همه انقلابی باشند تا بتوانیم در این راه با موفقیت پیش برویم و آن را ادامه بدهیم» (خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۵).

همچنین، در بیانیه مهم گام دوم نوشته‌اند: «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری، که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر دهید. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

حال آنکه آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی، در خاطرات خود می‌نویسد: «رژیم پهلوی بر دو بنیاد اصلی قدرت استوار بود که عبارت بودند از ارتش و ساواک». این اعتراف سفیر انگلیس، به‌عنوان کشوری که حامی رژیم پهلوی بود، به‌خوبی نشانگر این است که مردم جایگاه و نقش مؤثری در رژیم پهلوی نداشتند و رژیم به مردم اتکا نداشت. اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به این سیاست و بینش پایان داده شد. این دستاورد بزرگ انقلاب موجب شد مردم نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در مهم‌ترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه‌پرسی‌ها و نیز اداره کشور داشته باشند. حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، همواره بر نقش مردم تأکید داشتند و درحقیقت برای آن ارزش و اهمیت قائل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب و همراه اصلی امام توده مردم بودند. امام مردم را ولی نعمت مسئولان کشور معرفی می‌کردند و همه مقامات مملکتی را به خدمت به آن‌ها دعوت و سفارش می‌کردند.

در اندیشه سیاسی اجتماعی شیعه بین تقوا، که امری فرهنگی است، با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی و انسجام جامعه رابطه و همبستگی وجود دارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه ۱۱۲ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَسُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُرُونَ وَلَا تَتَصَحَّحُونَ وَلَا تَبَادُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ». همانا که شما براساس دین خدا که آیین فطرت است با یکدیگر برادر و پیوسته هستید و تنها ناپاکی‌های

درونی و انگیزه‌های زشت موجب تفرقه و جدایی میان شما شده است که در نتیجه تعاون و همیاری، نصیحت، بذل، بخشش، دوستی و محبت از میان شما برخاسته است. همچنین، فتنه‌ها و هوس‌ها مخل سلامت و صداقت و اعتماد اجتماعی‌اند که انسان‌ها باید از آن دور باشند تا باعث اختلافات نشود و نظام اسلامی بتواند از فتنه‌ها جلوگیری کند؛ از این رو، حضرت فرمودند: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ».

اگر برنامه‌های ضدفساد در جامعه‌ای با انواع مجازات‌های علنی مفسدان و بازنمایی رسانه‌ای آن، همچنان در کاهش رانت‌جویی و زمین‌خواری و سفته‌بازی و هجوم به بازارهای غیرمولد اقتصادسوز (زمین و مسکن و ارز و سکه و ماشین و غیره) و ادراک مردم از سطح ساختاری یا غیرساختاری فساد اثربخش نیست یا اگر منتخب بیش از ۵۰ درصد رأی‌دهندگان ریاست جمهوری از مردم نسبتاً توانمند (عمده رأی‌دهندگان) تقاضای انصراف از دریافت یارانه می‌دهند و کمتر از ده درصد پاسخ می‌دهند، اگر همکاری مردم در عدم استفاده از خودرو و شخصی برای کاهش بحران هوا در کلان‌شهرها نزدیک به صفر است، اگر محور گردش بازار و روابط یک صنف (به‌ویژه تجار) اعتماد متقابل و اعتبار نیست و غیره؛ به‌خاطر وضعیت کاهشی سرمایه اجتماعی به‌خصوص در نسبت با هر امر است که دولت یک سر آن باشد. سرمایه اجتماعی همکاری و تعامل میان اعضای گروه‌های اجتماعی را سهل و لین می‌کند و هزینه‌های عمل را کاهش می‌دهد. سرمایه اجتماعی مثل سوخت موتور در همکاری‌های درون‌گروهی است و هرچه میزان آن بالاتر باشد، دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت، سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پرهزینه بستگی خواهد داشت. براساس پیمایش سرمایه اجتماعی (ایسپا، ۱۳۹۳) شاخص رضایت، امید و پیش‌بینی از کارآمدی اکثر نهادهای رسمی در حل معضلات به‌ویژه بیکاری، تورم و فساد به کمترین میزان رسیده است و حتی امیدی به بهتر شدن در ده سال آینده نیست! البته شبکه‌های روابط اجتماعی عمومی و اعتماد تعمیم‌یافته (مردم به مردم) وضع بهتری دارد و همین مبدأ اصلاح و درمان باید در الگوی پیشرفت مدنظر قرار گیرد؛ از این رو، تدبیر اصلی، «پایدارسازی و تقویت شبکه و روابط اجتماعی مردمی با تأکید بر یاریگری ملی و تسهیلگری دولت» است. طبعاً مدیریت تصویر و اصلاح ادراک عمومی شده از فساد دولت، حاکمان و مدیران هم باید در بخش فرهنگ و ارتباطات مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد مکمل دیگر «اعتمادباوری در سرمایه اجتماعی» است؛ از این رو،

سرمایه اجتماعی متکی بر آموزه‌های اسلامی چهار سطح دارد که شامل سطح رفتاری و خرد، رفتاری و کلان، نگرشی و خرد، و نگرشی و کلان می‌شود. همه این ارکان تحت لوای اعتماد به وعده‌های الهی قرار دارد (توکلی و دیگران، ۱۳۹۵).

۵. شهر، شهرنشینی و چالش‌های طبقه متوسط شهری و زندگی روزمره شهری در سند فعلی به جد مورد غفلت قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب در فرازی از توصیه‌هایشان به مدیریت شهری در این سه دهه به «تأثیر ناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه ثروت» اشاره داشته‌اند. این موضوع در کنار توصیه‌ها به اموری بدیهی‌تر مانند عدم فساد اداری، عدم تخریب محیط زیست و زمین‌خواری، صداقت و خدمت به مردم و غیره حاوی مضمون اجتماعی بسیار مهمی است که اگر شهرها با نسخه و فرمان نظام سرمایه‌سالار اداره شوند، مأمین ارزش‌ها و روابط اجتماعی خاصی هستند که سود و رقابت و اتمیزم را حاکم خواهد کرد. نه تنها الگوی مطلوب زیست شهری بلکه مواجهه فعال با آسیب‌های شهری و چالش‌های شبه‌مدرنیته ناهمگون سرازیر بر فضا و معماری شهرهای موجود و شهرهای قدیمی یا اصلاح‌بافت‌های حاشیه‌ای و غیراجتماعی از طریق ایجاد اشتغال و اسکان توأمان نیازمند تدبیری اساسی در الگوی اسلامی ایرانی توسعه است. از منظر پدافند غیرعامل، پیشگیری از تداوم سیاست و اقداماتی که شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها را در معرض هجوم حاشیه‌های فقیر، بزهکار، بی‌هویت و غیره خود می‌کند، بسیار اهمیت دارد و باید در دکترین شهری نظام از این منظر غور کرد.

۶. تدبیر و الگوی مختار اتحاد و همزیستی اجتماعی بین مذاهب و اقوام ایرانی به‌ویژه به‌خاطر محرک‌های مدرن سکولار شبه‌مذهبی (سلفی‌گری، افراطی‌گری) و طبعاً سیاسی شدن هویت‌های قومی از مسائل و محورهای مهم الگوی پیشرفت است؛ به‌عبارت دیگر، ملت‌سازی‌های مدرن در قرن گذشته با دو چالش عمده فرهنگی در جوامع در حال توسعه مواجه بوده‌اند: چالش مذهب‌گرایی در برابر سکولارسازی اجتماع و سیاست و چالش هویت‌طلبی قومی و فرهنگی در مقابل پروژه همسان‌سازی فرهنگی و زبانی. ایران کشوری کهن است که از گذشته دور تاکنون تنوع فرهنگی را تجربه کرده است و علناً باید آن را «جامعه متنوع فرهنگی» دانست که با سایر جوامع متنوع

۱. حمید احمدی در کتاب قومیت و قوم‌گرایی در ایران ۱۳۷۸ شکل‌گیری دولت مدرن را در ایران مورد تجزیه و تحلیل و روند و علل به‌وجودآورنده آن را توضیح می‌دهد. وی در این اثر برای روشن شدن مطلب نمونه‌هایی را در زمینه سیاسی شدن مذهب و زبان در سه منطقه کردستان، آذربایجان و بلوچستان مورد بحث قرار می‌دهد.

چندملیتی و چندقومی تفاوت‌های بنیادین دارد. همین تفاوت‌ها موجب شده است تا مناسبات بین قومی و نیز روابط دولت‌ها با اقوام ایرانی با الگوهای رایج روابط و سیاست‌های قومی اختلاف‌های زیادی را نشان دهد. یکی از مظاهر تفاوت این است که تنوع فرهنگی ایران برخلاف بعضی جوامع متنوع، در طول تاریخ موجب بروز ناهمسازی سیاسی و کشمکش بین قومی نشده است، بلکه این گروه‌ها زیست مسالمت‌آمیز داشته‌اند. حتی علی‌رغم برخی تحولات قومی در مقاطعی از تاریخ ایران، این رخدادها نه ستیزه بین قومی، بلکه اقداماتی در راستای بیگانه‌ستیزی، حفظ سرزمین، مقابله با استبداد و بی‌کفایتی طبقه حاکم بوده است؛ به علاوه، تکوین بعضی تحرکات اعتراضی علیه حکومت‌ها نیز نه به خاطر تشکیل دولت از قومیتی خاص، بلکه علیه استبداد و خودکامگی آن و صیانت از حقوق فرهنگی خود صورت گرفته است. همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی ایران ریشه در نظام معنایی و باور مشترک همه ایرانیان بر ایرانی بودن خود دارد که از دو خاستگاه «تاریخ مشترک آنان و دین انسجام‌بخش اسلام» متأثر شده است. این دو عنصر باعث شد تا ایرانیان منظومه هویتی خود را به گونه‌ای تعریف کنند که نه تنها گروه‌های متنوع قومی با یکدیگر همزیستی داشته باشند، بلکه تاکنون هویت‌های قومی آن‌ها در تعارض با هویت ملی‌شان قرار نگیرد (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰). برخی اندیشمندان «الگوی وحدت در کثرت» را مناسب شرایط ایران دانسته‌اند (تقی‌لو، ۱۳۸۶).

۷. مراقبات اجتماعی از گروه‌های خاص: الگوی مرسوم و متداول حاکم بر این مسئله توسعه، عمدتاً در نظریات (حاشیه‌باف و دیگران، ۱۳۹۳) و مهارت‌های مددکاری اجتماعی جست‌وجو می‌شود و فرمولی اسلامی ایرانی و بومی در این حوزه مورد نیاز است.^۱ تشدید آسیب‌های اجتماعی، که منجر به ورود صریح و مستقیم مقام معظم رهبری و تشکیل ستاد ویژه‌ای شد، نشان‌دهنده عمق و حجم این مسئله است. مددکاری فرهنگی،^۲ رشد و تربیت محرومیت‌کشیدگان و آسیب‌پذیران که

۱. امام علی (علیه‌السلام) در سفارش خود به یکی از کارگزارانشان می‌فرماید: «... آنان که راه چاره ندارند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری برجای ماندگان‌اند، که در این طبقه مستمندی است خواهنده و مستحق عطایی است به روی خود نیاورده، و برای خدا حقی از خود را به آن اختصاص داده و نگرهبانی آن را به عهده‌ات نهاده، پاس دار و بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار... و با آنان چنان رفتار کن که چون خدا را دیدی جای عذرت بماند که این گروه از میان مردم به انصاف نیازمندترند از دیگران و...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۰: صص ۳۳۶-۳۳۵).

۲. الگوی مدنظر و مورد اعمال در یکی از میزهای کاری قطب‌های علمی فرهنگی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در چهار سال گذشته بوده است. در کمیته امداد امام هم اعلام شده که افزایش و تقویت مبانی فکری و فرهنگی

خود قربانی الگوهای خطی توسعه شهری و ملی بوده‌اند، گزینه‌ها و نسخه‌های پیشنهادی است که هنوز از نظریه پردازی جامعی بهره‌مند نشده است. در خصوص اعتیاد به مواد مخدر چالش جدی تغییر الگوی مصرف، شیوع در بین زنان و نوجوانان را باید جدی گرفت و آن را جزئی و غیرقابل تأمل در الگو قلمداد نکرد. مهم‌ترین تدبیر در این عرصه تأمین چتر تربیتی جامع (مدرسه، خانه و محیط‌های فراغتی) با محوریت مسجد برای نوجوانان آسیب‌پذیر و حمایت از تشکیل خانواده بزرگسالان ناامید از ازدوج یا مطلقه است.

۸. معمولاً در برنامه‌های توسعه، از آنجا که دغدغه احساس می‌شود، اما الگوی جهت‌بخش و کلانی مورد نظر نیست، با راهبرد! یا دستورهایی مواجه هستیم که عبارت‌اند از: تدوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، گذشته از اینکه اساساً شأن برنامه توسعه چیست و غیره در الگوی پیشرفت هم نمی‌توان به چنین کلی‌گویی بسنده کرد. اما اندیشکده عدالت مرکز الگو با رفع انحصار در رویکرد اقتصادی باید دقیقاً الگوی سلامت اجتماعی مبتنی بر عدالت (یا رفاه یا هردو؟) را مبتنی بر مطالعاتی که کم‌وبیش در کشور موجود است و رهیافت اسلامی به تأمین اجتماعی معرفی کند.

۵. جمع‌بندی

براساس مطالعه این مقاله تحقیق پیشرفت و کمال در شاخص‌های اجتماعی از پیشگیرانه‌ترین و مصون‌سازترین مؤلفه‌های دفاع غیرنظامی در زمان صلح هستند؛ چراکه انسجام و همبستگی و سلامت اصل جامعه را محقق می‌کنند؛ از این رو، الگوی پایه پیشرفت که بی‌شک مجموعی از نظریات سیاستی توسعه در جمهوری اسلامی ایران است، نسبت به این امر نقصان‌هایی بین دارد و با توجه به تحقیقات مفصل در این تحقیق می‌توان تدابیری مهم را به سند مذکور افزود:

مددجویان؛ مهم‌ترین پیش‌نیاز برای توانمندسازی و خودکفایی اقتصاد خانواده‌ها به شمار می‌رود. به همین منظور کمیته امداد امام^(۳) برنامه‌های تحولی گسترده‌ای را برای افزایش اعتماد به نفس و بهبود کیفیت زندگی و اعتلای جایگاه افراد در جامعه در دستور کار خود قرار داده است.
 (<https://portal.emdad.ir/fa/emdadunit/farhangi-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%DB%8C>)

حوزه	موضوع تدبیر تأسیسی	متن
عدالت اجتماعی	سیاست‌گذاری ملی	حکمرانی عادلانه مبتنی بر پایش شاخص‌های بومی، عدالت انسان پایه، استحقاق و نفی زمینه نابرابری
	حقوق شهروندی	شهروندی صالحانه، نظارت ناصحانه و احقاق حقوق عامه با حمایت قوه قضاییه کارآمد عادل
	تأمین اجتماعی	ابتنای اقتصاد سیاسی تأمین اجتماعی بر بخش عمومی
	بازتوزیع ثروت	تحقق همه‌جانبه عدالت مالیاتی با تأکید بر درآمد خالص جهت تأمین منابع تأمین اجتماعی
سرمایه اجتماعی	مشارکت	پایدارسازی و تقویت شبکه و روابط اجتماعی مردمی با تأکید بر یاریگری ملی و تسهیلگری دولت
	همبستگی	بازمهندسی نظام سیاسی و اقتصادی معطوف به تحقق همبستگی اجتماعی و نفی تکانه‌های درونی شکاف و نفاق اجتماعی
امنیت اجتماعی فرهنگی	تنوع و تکثر	تنوع انسجام‌آمیز و فرصت‌انگاری اقوام و مذاهب مبتنی بر اصل وحدت در کثرت
	سلامت اجتماعی	تأمین چتر تربیتی جامع (مدرسه، خانه و محیط‌های فراغتی) با محوریت مسجد برای نوجوانان آسیب‌پذیر + حمایت از تشکیل خانواده بزرگسالان ناامید از ازدوج یا مطلقه
	صیانت و تاب‌آوری اجتماعی	آرایش آفندی و پدافندی نظام ارتباطات بحران مبتنی بر فرض جنگ هیبریدی دشمن

کتابنامه

۱. نهج البلاغه. ۱۳۷۰. ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. احمدی، حمید. ۱۳۷۸. «قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت». تهران: نشر نی.
۳. افتخاری، اصغر؛ نصری، قدیر. ۱۳۸۳. روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. افسری، علی. ۱۳۹۱. «سرمایه اجتماعی در اسلام». دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. دوره ۳. شماره ۱. بهار و تابستان. صص ۱۱۸-۱۰۱.
۵. امامی، سید مجتبی. ۱۳۹۷. «تأملی در چیستی الگو در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مذاقه‌هایی از منظر خط‌مشی‌گذاری عمومی». فصلنامه مدیریت دولتی ایران. دوره دوم. شماره ۱. پاییز. صص ۳۳-۱.
۶. ایسپا. ۱۳۹۳. پیمایش ملی سرمایه اجتماعی. تهران: وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۷. باک، درک. ۱۳۹۶. سیاست شادکامی. ترجمه نرگس سلحشور. تهران: نگاه معاصر. چاپ اول.
۸. براتعلی پور، مهدی. ۱۳۹۴. «الگوپردازی سیاست عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ پاسخی به ناسازنمایی دو روایت هستی شناختی و هنجاری». پژوهش های سیاست اسلامی. سال سوم. شماره ۸. پاییز و زمستان.
۹. بشیری، حسین. ۱۳۷۹. تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم. جلد ۲. تهران: نشر نی.
۱۰. تقی لو، فرامرز. ۱۳۸۶. «تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران». مطالعات راهبردی. شماره ۳۵ یا صالحی امیری و عظیمی: ۱۳۷۸ (۹۹-۹۵)
۱۱. توکلی، عبدالله؛ پوربهروزان، علی؛ محمدیانی، دانیال. ۱۳۹۵. «اعتماد رکن اصلی سرمایه اجتماعی: طراحی الگویی مبتنی بر تعالیم اسلامی (مورد مطالعه: کتاب شریف میزان الحکمه)». مجله مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره ۳. شماره ۴. زمستان. صص ۵۱۹-۵۰۵.
۱۲. حاشیه باف، عطیه؛ فرماتی، عدرا؛ بابائیان، نسرین؛ باباپور، محمد؛ معارف وند، معصومه. ۱۳۹۳. «تیین، مقایسه و تحلیل فرایند شکل گیری نظریه های مددکاری اجتماعی (یک مرور سیستماتیک)». فصلنامه مددکاری اجتماعی. دوره ۳. شماره ۳.
۱۳. حسینی، سید رضا. ۱۳۸۸. «تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی». جستارهای اقتصادی ایران. شماره ۱۱. بهار و تابستان.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی. ۱۳۷۰/۳/۱۳. «پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمة الله)». ۹۸/۶/۱۵. farsi.khamenei.ir.
۱۵. _____ ۱۳۹۵/۳/۱۴. «بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمة الله علیه)». ۹۸/۶/۱۵. farsi.khamenei.ir.
۱۶. _____ ۱۳۷۱/۱۰/۱۷. «سخنرانی به مناسبت روز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام». ۹۸/۶/۱۵. farsi.khamenei.ir.
۱۷. _____ ۱۳۸۲/۳/۲۲. «بیانات در دیدار مردم ورامین». ۹۸/۶/۱۸. farsi.khamenei.ir.
۱۸. _____ ۱۳۹۰/۲/۲۷. «بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی». ۹۸/۶/۱۸. farsi.khamenei.ir.
۱۹. _____ ۱۳۹۶/۱۰/۶. «بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی». ۹۸/۶/۱۵. farsi.khamenei.ir.

۲۰. _____ ۱۳۹۴/۴/۹. «ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه». ۹۸/۶/۱۵. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128>
۲۱. سرآبادانی، حسین؛ سجادیه، سید علیرضا؛ ترابزاده جهرمی، محمدصادق. ۱۳۹۶. فهم جوهره اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه عدالت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. شریفیان ثانی، مریم. ۱۳۸۱. «جایگاه مددکاری اجتماعی در سیاست‌گذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی کلان رفاه اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. دوره نهم. شماره ۱۸. تابستان. صص ۲۱-۱.
۲۳. صالحی امیری، سید رضا؛ عظیمی دولت‌آبادی، امیر. ۱۳۸۷. «جهانی شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی متین. شماره ۴۱. صص ۹۹-۹۵.
۲۴. صفریان، روح‌الله؛ امام‌جمعه‌زاده، سید جواد. ۱۳۹۶. «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه». فصلنامه علمی پژوهشی دولت‌پژوهی. دوره سوم. شماره ۱۲. صص ۱۸۱-۱۴۵.
۲۵. عربی، سیدهادی. ۱۳۹۷. کرسی ترویجی «عدالت اجتماعی». قم. نک: <http://iiict.ac.ir//2>. -korsiedalat
۲۶. علیی، محمولی. ۱۳۹۴. «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه آفاق امنیت. سال هشتم. شماره ۲۸. صص ۱۳۴-۱۰۷.
۲۷. قاسمی، صالح. ۱۳۹۶. کندو: بررسی ارتباط متقابل جمعیت، اقتصاد و امنیت. تهران: انتشارات خیزش نو.
۲۸. الکاک، پیت؛ می، مارگارت؛ راولینگسون، کارن. ۱۳۹۱. کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی. ۲ جلد. ترجمه علی اکبر تاج‌مزینانی و محسن قاسمی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۹. کریمی، علی؛ موذن، محمدهادی. ۱۳۹۰. «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران». مطالعات ملی. دوره ۱۲. شماره ۱ (۴۵). بهار. صص ۵۲-۲۵.
۳۰. گری، جان. ۱۳۹۷. فلسفه سیاسی جان استیوارت میل. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: فرهنگ نشر نو.
۳۱. مرکز پژوهش‌های مجلس. ۱۳۹۸. ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. کد موضوعی: ۳۰۰. شماره مسلسل: ۱۶۴۵۸. خردادماه.
۳۲. نبویان، سید محمود. ۱۳۸۶. «حق و تکلیف و تلازم آن‌ها». معرفت فلسفی. سال پنجم. شماره ۲. پیاپی ۱۸. صص ۲۵۳-۲۱۷.

۳۳. واعظی، احمد. ۱۳۸۳. «عدالت اجتماعی و مسائل آن». قبسات. دوره ۹. شماره ۳۳. زمستان. صص ۱۸۹-۲۰۷.
۳۴. الهی‌زاده، محمد حسین. ۱۳۹۸. «از اقتصاد تا اقتساط». عدالت اجتماعی؛ نشریه تخصصی مرکز رشد دانشگاه امام صادق. شماره ۳. صص ۷۸-۷۱.
35. D.Mullins and A.Murie. 2006. **Housing policy in Britain**. Macmillan.

اسناد و مصوبات:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۱۳۹۷. سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی.
۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی نظام در حوزه خودکفایی دفاعی و امنیتی (ابلاغی ۱۳۹۱/۰۹/۲۹)
۴. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵).
۵. ضوابط ملی آمایش سرزمین. (مصوب هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۳/۸/۶)
۶. روزنامه رسمی کشور (۹۳/۱۱/۱۴) اساسنامه سازمان پدافند غیرعامل کشور (مصوب مقام معظم رهبری و ابلاغی ۹۳/۹/۱۷)
۷. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی نظام در حوزه پدافند غیرعامل (ابلاغی ۲۹/۱۱/۱۳۸۹).

پایگاه های داده:

1. <https://paydarymelli.ir/fa/content/20>
2. <http://www.rooznamehrasmi.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=4735>
بازیابی: 1398/8/15.
3. <http://didban.ir/fa/news-details/41301/>
4. <https://portal.emdad.ir/fa/emdadunit/farhangi-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%DB%8C>

